

هوالشاهد

گروه علمی - تربیتی شهید محمد جواد باهنر

گزارش مطالعات و تحقیقات

مسئول جمع‌آوری گزارش:

عنوان گزارش: بازنگری در ارایه درس علوم تجربی

اساتید مشاور: استاد عاصی، حسام الدین حایری زاده

تاریخ ارائه:

همکاران اجرایی:

الف. مبانی نظری

۱. فرمایشات ولی امر مسلمین:

کلیات:

محصول و خروجی آموزش و پرورش را چه می‌خواهیم باشد؟ اول این را مشخص بکنیم؛ ترسیم بکنیم؛ بعد ببینیم که برای ساختن یک چنین موجودی، یک چنین مردی، زنی، جوانی، چه کارهای مهم و اساسی، چه تعالیم لازم، در خلال چه برنامه آموزشی باید داده شود، تا این موجود پرورش پیدا کند. (۲)

آن چیز که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. (۳)

افراد صاحب نظر و عمیق بنشینند همین را تدوین کنند؛ معلوم بشود که ما می‌خواهیم بیاموزیم، تعلیم بدهیم و پرورش بدهیم، تا چه اتفاقی بیفتد. این فلسفه آموزش و پرورش است؛ این را مشخص بکنند؛ تدوین بکنند. آن وقت بر اساس این فلسفه، نظام مطلوب آموزش و پرورش به دست خواهد آمد. (۱۰)

آموزش و پرورش باید روز به روز با هدفهای کلان و بسیار مهمی که برای او وجود دارد، خود را بیشتر تطبیق دهد. نظام آموزش و پرورش باید در همین جهت، یک تحول اساسی پیدا کند. الان دارند خوب کار می‌کنند و ما از مجموعه شما آموزش و پرورش‌ها شکوه‌ای نداریم؛ اما معتقدیم احتیاج به یک حرکت تحول‌گونه‌ای وجود دارد. طراحان فکور و اندیشمندان، در زمینه‌های سازمان‌دهی و شکل‌دادن به محیط‌های درسی و کلاس‌های درسی و محتوای آنها و ترتیب معلمین و ترسیم خطوط مهم و روشن در مجموعه‌ی آموزش و پرورش، باید کارهای تحول‌آمیز و مهم بکنند. (۴)

امروز فوری‌ترین و واجب‌ترین و مبرم‌ترین وظیفه مسئولان امر این است که سازماندهی آموزش در دوره‌های مختلف تعلیم را عوض کنند. یعنی محتوا و قالب در نظام آموزشی کشور باید تغییر پیدا بکند. (۵)

آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته‌ی فکر ما و برنامه‌های ما و فلسفه ما نیست... از روزی که نظامی به نام نظام آموزش و پرورش در این کشور به وجود آمد - از آغاز کار - بنای کار بر آن فلسفه‌ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم. (۶)

شکل و محتوای آموزش با هدفهای امروز کشور ما و با آرمانهای جمهوری اسلامی منطبق نیست. (۷)

آنها [غربی‌ها] شیوه آموزش و پرورش خوبی داشتند و ما هم از آنها یاد گرفتیم. این که دبستانها از مکتب‌خانه‌های قدیمی بهتر بود؛ دبستان، دبیرستان، تقسیم‌بندی‌ها، خوب بود، این‌ها را که ما رد نمی‌کنیم؛ این‌ها مفید است؛ اما بالاخره چقدرش، چه جورش، با

کدام رویکردش، ما دیگر به این توجه نکردیم و یکپارچه گرفتیم. آنها گفتند شش کلاس اینجور باشد، شش کلاس آن جوری باشد، ما همان را آوردیم. بعد، آنها روش‌شان را تغییر دادند، پنج کلاس و سه کلاس و فلان، ما هم این را یاد گرفتیم آوردیم. خوب، این که نمی‌شود. آنها که کتاب درسی با درس‌های مختلف داشتند، گفتند اینها را تعلیم بدهید، ما هم همینطور این تراکم تعلیمات را فراگرفتیم. شیوه‌ی سازماندهی آموزش پرورش هم از لحاظ قالب، هم از لحاظ محتوا یک شیوه تقلیدی محض است. (۸)

من خیال می‌کنم سرلوحه و محور برنامه‌های آموزش و پرورش در تنظیم کتاب، در تربیت معلم، در نظارت بر کار بخشهای مختلف آموزش و پرورش، در نظارت بر کار آموزش دهندگان و داخل مدارس باید بر این باشد که ببینند آیا تفکر اسلامی منتقل شده یا نه؟ انسان‌سازی بر مبنای اسلام و مسلمان‌سازی کودکان در این مدارس انجام می‌گیرد یا انجام نمی‌گیرد؟ (۱۱)

اگر دستگاه تعلیم و تربیت در کشور خوب باشد و آموزش فرهنگی به وسیله افراد صدیق و امین و توانا انجام بگیرد؛ آینده آن مملکت تضمین شده است... ما برای فردا فقط متخصص تنها نمی‌خواهیم، متخصصی می‌خواهیم که با ایمان باشد. یعنی این کودکی که امروز در اختیار مدرسه قرار می‌گیرد، این باید آن چنان ساخته بشود که فردا یک متخصص مومن بار بیاید. (۱۲)

در تمام برنامه‌های ارایه شده نباید جهت‌گیری اسلامی و انقلابی را رها کنیم. یک کار علمی، اجتماعی، فرهنگی و حتی برنامه‌های سرگرمی می‌تواند دارای جهت‌گیری اسلامی و انقلابی و یا بالعکس باشد. ۱۵

من از اینکه ما برنامه‌های این کشور و آن کشور را بگیریم و تقلید کنیم، اصلاً استقبال نمی‌کنم، به شدت هم مخالفم؛ هر جایی اقتضای خودش را دارد، به علاوه که هدف خیلی از این کشورها - که برنامه‌های آموزشی دارند - با ما یکی نیست؛ این را من اصلاً توصیه نمی‌کنم. اما پیشرفت‌های آموزشی و نکته‌های آموزشی را باید یاد گرفت و در برنامه‌های درسی، در شیوه‌ی آموزش، در شیوه‌ی ای اداره‌ی کلاس، اعمال کرد. (۱۷)

البته در کشور ما، آموزش و پرورش یک بنای قدیمی است؛ لیکن نه با هندسه صحیحی از آغاز کار. در این جا اول کار، آموزش و پرورش را مثل اغلب بناهای فرهنگی، بر مبنای صحیحی نگذاشتند؛ شما دارید مجاهدت می‌کنید که این مبنا صحیح را به وجود بیاورد؛ بنابراین مشکلات زیادی دارد؛ این مشکلات را تحمل نکنید و آن را به حساب جهاد در راه خدا بگذارید. این را، هم شما توجه داشته باشید که عملتان جهادی است. (۱۹)

مجموعه نخبگان کشور ما یکی از بزرگترین کارهاشان باید این باشد که نقشه جامع پیشرفت کشور را بر اساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدل‌سازی‌های غربی نسپرند. اونمی‌تواند کشور را نجات بدهد؛ اونمی‌تواند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند... البته از علمشان استفاده می‌کنیم؛ ما تعصب نداریم. هر جا پیشرفت علمی، تجربه علمی باشد، استفاده می‌کنیم. از مصالح استفاده می‌کنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم. (۲۰)

بر اساس این فلسفه (فلسفه آموزش و پرورش اسلامی)، نظام مطلوب آموزش و پرورش به دست خواهد آمد. (۲۱)

آن نظام (نظام مطلوب آموزش و پرورش) بایستی مثل یک جدول پر بشود از برنامه‌های گوناگون. (۲۲)

اگر چنانچه شما بخواهید آن نظامی را که متناسب هست را ارایه بدهید، ضمن اینکه آن کلی را ترسیم می‌کنید باید به جزئیات وارد بشوید تا مورد بحث قرار بگیرد، یعنی حتی فکر این را نکنید که کتاب‌ها را کی بنویسید، کتاب‌ها چگونه نوشته بشود، معلم چه جور تربیت بشود، باید تمام این جزئیات فکر بشود، اگر ما قانع شدیم به اینکه یک تصویر کلی فقط ارایه بکنیم این از سرواگردن است و هیچ به فکر سرواگردن نباید بود، یک چیز کامل و دقیق باید داد... ثانیاً از همین حالا ما در آن دستگاه‌های اجرایی مان پرتوی از آن نگرش کلی و آینده را بتابانیم، (۲۳) سال ۶۵

ما وقتی نظام آموزشی مان را تغییر بدهیم در حقیقت این کاراها را کردیم که هدفهای آموزشی را مشخص کردیم، چون در نظام گذشته هدف آموزش یک چیزی بود، امروز ممکن است چیز دیگری باشد و بر اساس آن هدف ها رشته های درسی را انتخاب کردیم که طبعاً رشته های درسی تفاوت هایی با رشته های کنونی خواهد داشت. موادی را که در این رشته ها تدریس می شود آنها را، هم اصل ماده ی درسی را، هم میزانی را که از آن ماده باید آموزش داده بشود این ها را معین خواهیم کرد، و هم کتاب هایی را بر اساس این مواد درسی و این خصوصیات تدوین خواهیم کرد و معلمین را می گماریم که این ها را بدهند، این می شود تغییر نظام آموزشی. (۲۴)

ما باید برای آموزش و پرورش و گسترش آموزش و پرورش و تحصیل امکانات بیشتر برای این کار واقعا باید بنشینیم برنامه ریزی کنیم. ای بسا از آنجایی که نظام درسی امروز در کشور ما یک نظام منطبق با نیازهای ما نیست خیلی از امکانات ما دارد هدر می رود. خب این کلاس بندی و طبقه بندی و ترتیبی که کودکان و نوجوانان و جوانان ما دارند درس می خوانند ما کی نشستیم این را با نیازهای آینده ی خودمان و جامعه ی خودمان تطبیق بکنیم و انتخاب بکنیم. این جوری نبوده که، این مربوط می شود به نظام گذشته و نظام گذشته هم برایش تقلید از غرب مهم بود که نگویند عقب افتاده است. یک نفری رفت در فلان کشور اروپایی دبد آنها مثلا کلاس ابتدایی دارند و متوسطه دارند و متوسطه هم سیکل اول دارند و سیکل دوم دارند، آمد عین همین را در همین جا پیاده کرد. بعد هم همان را یک مختصر دست کاریش کردند در طول چندین سال امروز شده به این شکلی که ما داریم. آیا این همان چیزی است که ما لازم داریم؟ آیا کودک ما و نوجوان ما در این روال دبستانی راهنمایی و دبیرستانی با همین معلومات و دروسی که تعلیم می گیرد همان چیزی می شود که در پانزده، شانزده سالگی، هفده سالگی ما احتیاج داریم آماده می شود برای کار، آماده می شود برای ادامه تحصیلات چه می شود؟ لین یکی از کارهای اساسی آموزش و پرورش است. (۲۵)

و این کار با تربیت معلمین صالح و تدوین کتاب های مناسب و برنامه ریزی صحیح امکان پذیر خواهد بود. به خصوص در امر تربیت معلم و تدوین و تالیف کتب درسی هر قدر ابتکار، علم، هنر، خلاقیت و همچنین بودجه صرف این کار شود جا دارد. (۲۶)

من خیال می کنم سرلوحه و محور برنامه های آموزشی و پرورش در تنظیم کتاب، در تربیت معلم، در نظارت بر کار بخشهای مختلف آموزش و پرورش، در نظارت بر کار آموزش دهندگان و داخل مدارس باید بر این باشد که بینند آیا تفکر اسلامی منتقل می شود یا نه؟ انسان سازی بر مبنای اسلام و مسلمان سازی کودکان در این مدارس انجام می گیرد یا انجام نمی گیرد؟ (۲۷)

برنامه را چنان بریزند که تصور و ذهنیت آموزش و پرورش کشور ما این باشد که از مجموع کسانی که وارد دبیرستان می شوند درصد کمتری به دبیرستان ها و درصد بیشتر متعلق به کارگاه ها و آموزشگاه های فنی و حرفه ای باشد. اصلا با این تصور بروید جلو، دبیرستان های ما هم باید خودشان را تطبیق بدهند با شکل فنی حرفه ای، فنی حرفه ای ها البته روشهای اجرایی هم باید در پیش بگیرند که حقیقتا هم به استعداد کسانی که می آیند این جا ظلم نشود، از جمله این که فنی حرفه ای ها بن بست خودشان را بشکنند... اینها بتوانند در دوره های بالاتر متصل بشوند و به آموزش عالی و تعلیمات عالی را فرا بگیرند. البته اینها برنامه ریزی می خواهد و باید این کمک انجام بگیرد و راه ها زیاد است. (۲۸)

به خصوص در امر تربیت معلم و تدوین و تالیف کتب درسی هر قدر ابتکار، علم، هنر، خلاقیت و همچنین بودجه صرف این کار شود جا دارد. (۳۵)

تعلیم کاری بسیار ظریف و دقیق است. تعلیم فقط این نیست که ما مجموعه ای از معلومات را در کاغذ بگذاریم و به دانش آموز بدهیم و بگوییم بخوان؛ بعد هم برهه ای از سال را معین کنیم تا بیایند امتحان دهند؛ این، تعلیم حقیقی نیست. تعلیم باید طوری باشد که ذهن را بسازد، مغز را فعال کند و در درجه اول، شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماید. (۴۱)

در شیوهی آموزش، در شیوهی پژوهش، در شیوهی پذیرش، در کتاب درسی؛ همه‌ی اینها تحول می‌خواهد. (۴۴)

مصادیق

ما درس دینی را یک درس جداگانه قرار داده ایم؛ آن هم با جاذبه های بسیار کم و کتاب هایی نه چندان گیرا؛ بالاخره آن طوری که ما دیده ایم، نقیصی دارد. (۹)

کتاب‌های درسی و تعلیم توی کلاس بایستی با تربیت همراه باشد... این‌ها بایستی با تعلیم، تعلیم همه دروس و فصول تعلیم آمیخته بشود. (۱۶)

یک معلم ریاضی، یک معلم فیزیک، یک معلم فارسی و ادبیات هم با یک تخته گوی به جا و با یک تک مضراب می‌تواند تفکر دینی را در اعماق دل شاگرد و مخاطب خود جا دهد تا یادش نرود. (۳۶)

مطلوب این است که وسط درس ریاضی یا فیزیک یا طبیعی، از فرصتی استفاده کنند و یک نکته دینی را - ولو در یک جمله - بیان کنند. گاهی اوقات این کار از منبر ما مفیدتر است؛ چون در اعماق ذهن مخاطب کاملاً جا می‌افتد. این کار بسیار خوبی است. (۳۷)

می‌گفتند ما می‌خواهیم پرورش را با آموزش بیامیزیم و در کلاس درس، معلم فیزیک هم در عین حال معلم پرورشی باشد؛ معلم ریاضی هم در عین حال معلم پرورشی باشد؛ معلم جغرافیا و تاریخ هم همین‌طور. این فکر خیلی خوبی است؛ اما کجاست حالا؟ نداریم، ندارید. (۳۸)

شنیدم در آموزش و پرورش مطرح شده است که بخش تربیت را با تعلیم همراه کنیم تا معلم در کلاس، تربیت هم بکند. این حرف بسیار درستی است؛ بنده هم معتقدم که معلم فیزیک، معلم زیست‌شناسی، معلم ریاضی، یا هر معلم دیگری، می‌تواند با یک کلمه و تلنگر، آنچنان تأثیری روی ذهن دانش‌آموز بگذارد و چنان تربیتی بکند که گاهی با یک کتاب نشود آن تأثیر را گذاشت. (۳۹)

باید مفاهیم قرآنی به وسیله خبره های این کار دسته بندی شود و به تناسب در جای خود و در کتاب های درسی - چه در مدرسه ها و چه در دانشگاه‌ها - گنجانده شود. این ارتباط باید دایمی باشد. (۴۷)

گاهی استاد می‌تواند یک کلاس را، یک مجموعه‌ی دانشجویی یا دانش‌آموز را با یک جمله‌ی بجا تبدیل کند به انسانهای متدین. لازم هم نیست حتماً رشته‌ی علوم دینی یا معارف را تدریس کند؛ نه، شما گاهی یکجا در درس فیزیک، یا در درس ریاضی، یا در هر درس دیگری - علوم انسانی و غیر انسانی - می‌توانید یک کلمه بر زبانتان جاری کنید، یا یک استفاده‌ی خوب از یک آیه‌ی قرآن بکنید، یا یک انگشت اشاره به قدرت پروردگار و صنع الهی بکنید که در دل این جوان می‌ماند و او را تبدیل می‌کند به یک انسان مؤمن. استاد این جوری است. بیانات / سال ۱۳۸۹ / (۰۲ / ۰۴ / ۱۳۸۹)

من هم عقیده‌ام این است که شمای معلم فیزیک یا ریاضیات یا هندسه یا ادبیات یا علوم اجتماعی یا هر چه، می‌توانید معلم دین و معلم اخلاق و پرورش‌دهنده‌ی اخلاق در دانش‌آموز خودتان باشید. گاهی یک معلم ریاضی در هنگام حل یک جدول ریاضی یک کلمه می‌گوید که آن کلمه در اعماق قلب دانش‌آموز اثر ماندگاری می‌گذارد. این را همه‌ی معلمین بایستی وظیفه‌ی خودشان بدانند. و من به شما عزیزانی که اینجا حضور دارید و به همه‌ی معلم‌ها - هر چه تدریس می‌کنید - عرض می‌کنم که از این مسئله غفلت نکنید که تربیت کردن هم جزو کار شماست؛ و چه بهتر که با نفوذ معلمی، با تأثیر روحی معلم بر متعلم - از این امکان - استفاده

کنید و یک نقطه‌ی روشن و نورانی‌ای در قلب دانش آموز باقی بگذارید. یک کلمه از خدا، یک کلمه از پیغمبر، یک جمله از قیامت، یک کلمه از معنویت و سلوکِ اِلی اللّٰه و محبت به خدا، گاهی ممکن است از شما به عنوان دبیر ریاضی یا دبیر ادبیات یا معلم کلاس اول دبستان یا دوم دبستان صادر شود که شخصیت این کودک یا این نوجوان، این انسانی را که مخاطب شماست، شکل مطلوب بدهد که از صد ساعت حرف زدن در شکل‌های دیگر اثرش بیشتر باشد.

نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده. در جهان‌بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان‌بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراء الطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده‌ی علم است. نمونه‌اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه‌ی اسلام بر اثر تشویق اسلام آن‌چنان اوج گرفت که تا آن‌روز در دنیا بی‌سابقه بود- در همه‌ی زمینه‌ها- و علم و دین باهم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد... در زمینه‌ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. «(۲۶/۰۹/۱۳۸۳) بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها.

نویسندگان کتابهای درسی، رازها و رمزها و درس‌های نماز را در کتابهای درسی بگنجانند. (۵۳)

۲. سند تحول و دیگر مطالعات انجام شده در آموزش و پرورش:

الف) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

راهبردهای کلان:

- ۱- استقرار نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی براساس مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (تمام هدف‌های کلان)
- ۲- نهادینه کردن نگاه یکپارچه به فرآیند تعلیم و تربیت با رویکرد تعالی بخشی در کلیه مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان ۱، ۲، ۴، ۵ و ۶)
- ۳- ابتناء فرآیند طراحی، تدوین و اجرای اسناد تحولی زیر نظام‌ها (شامل برنامه درسی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، راهبری و مدیریت، تأمین و تخصیص منابع مالی، تأمین فضا، تجهیزات و فناوری - پژوهش و ارزشیابی) و برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت بر مبنای نظری و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (هدف‌های کلان ۱، ۴، ۳، ۲، ۶ و ۵)

۴۳۶. ساحت تربیت علمی و فناوری

الف (حدود و قلمرو)

ساحت تربیت علمی و فناوری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به کسب شایستگی‌ها (صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها) است که متریبان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریبان قادر شوند، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی (نگاه آیه ای به هستی) و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت (نگاه ابزاری) بینشی ارزشمندی کسب کنند.

ترکیب نگاه آیه ای و ابزاری منجر به تصرف و بهره‌گیری مسئولانه از طبیعت منجر خواهد شد، که میتواند به یک راهبرد اساسی در نگاه انسان به طبیعت و حفظ و مراقبت از آن بینجامد. لذا این ساحت از تربیت ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای

فهم و درک دانش های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش افزایی، به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است.

ب (رویکرد)

مهم ترین جهت گیری ساحت تربیت علمی و فناوری، جهت گیری کل نگر و تلفیقی ۳ در چهارچوب نظام معیار اسلامی است که برخی از مشخصه های آن عبارت اند از:

- ۱- تلفیق نظر و عمل یا توجه همزمان به تربیت نظری و عملی که در معنای وسیع تر، ناظر به تلفیق علم و فناوری است؛
- ۲- تلفیق نگاه آیه ای به طبیعت و نگرش ابزاری و شناخت آن با همدیگر (یعنی ضمن شناخت طبیعت به مفهوم آیه ای از

آیات جمال و جلال الهی، تلاش می شود به صورت روشمند و اخلاقی از آن بهره گرفته شود

- ۳- تأکید بر هماهنگی علم و دین
- ۴- توجه متعادل و متوازن به رویکردهای پژوهش کمی و کیفی
- ۵- ملاحظه درهم تنیدگی مرزهای علوم و رشته های علمی؛ که طی آن تلاش می شود نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران متریان دیدگاه و نگرشی جامع نسبت به جهان هستی بیابند؛
- ۶- توجه به ارزش مداری محتوا که این مسئله عمدتاً ناظر به چرایی آموخته هاست، نه صرفاً چیستی آن ها. از این رو شایستگی های کسب شده) یادگیری ها (باید مفید و سودمند باشند؛ یعنی در راستای غایت و هدف تربیت و هم چنین متناسب با نیازها و مرتبط با زندگی یادگیرنده ها باشند و به آن ها کمک کنند تا مستمراً به شناخت و عمل برای اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران پردازند؛
- ۷- تلفیق مهارت ها، دانش ها و نگرش های علمی به ویژه تلفیق بین مهارت های فرآیندی، در تربیت علمی و فناوری و به کارگیری مهارت های مربوط به سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا، به منزله روشی و ابزاری برای یاددهی و یادگیری عمیق تر و بهتر.

ج (اصول)

- ۱- توجه به درک متریان از جهان هستی، از منظر ارتباط با خدا) درک عظمت خلقت و؛ تعظیم خالق
- ۲- توجه متعادل و متوازن به عرصه های علوم نظری (انسانی ریاضی و تجربی (و کاربردی و حوزه فناوری؛
- ۳- ارتباط محتوای یادگیری با زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده متریان؛ ارزشمداری و توسعه ارزش های اخلاقی

ب (برنامه درسی ملی :

۱/۸- اصول حاکم بر برنامه های درسی و تربیتی

- ۱- اصل دین محوری : مبانی و ارزشهای اسلام ناب محمدی باید بر تمامی اصول ،رویکرد ها ،اهداف ،محتوای برنامه ها و روشهای درسی و تربیتی حاکم باشد و این اصل بر سایر اصول نیز حاکم است.

۲/۵- اهداف کلی

۲/۵/۲/۶- ایمان و باور:

ایمان به ارزش و هدفمندی خلقت و قانونمندی آن و باور به زیباییهای جهان آفرینش به عنوان مظاهر فعل و جمال خداوند؛

۲/۶/۲ - اهداف تفصیلی در بخش عناصر هدف: تعقل

ب- رابطه با خداوند متعال

*تفکر در صفات خداوند به ویژه در قدرت، علم، مهربانی و بخشش

* اندیشه در آیات قرآن

د- رابطه با خلقت: (طبیعت، زمین، آب، فضا، محیط زیست و ... ماوراء طبیعت) حیات ابدی، جهان آخرت، ملانکه و ...)

* کنجکاوی و اندیشیدن در خلقات خداوند

* مفهوم سازی درباره پدیده های خلقت

* تفکر در زیباییهای جهان آفرینش

* تفکر در پدیده های خلقات و اسرار جهان آفرینش

* کنجکاوی در مورد جهان غیب و عالم آخرت

ب. تجربیات

۱. مدارس داخل کشور:

مدرسه حکمت بابلسر

تجزیه و انتزاعی کردن مباحث در دروسی چون ریاضی، علوم و ادبیات، باعث می شود شخص این مباحث را یاد بگیرد، اما از کاربرد آنها ناتوان باشد. اما در صورتی که مفاد آموزشی در شرایط ملموس و نزدیکتر به محیط واقعی، به صورت توأم به زمینه های مختلف پردازد، دانش آموزان هم با تک تک موضوعات و مباحث حوزه ها آشنا می شوند، و هم ترکیب و جوهره یکپارچه پدیده ها و تعامل بین آنها را در می یابند. به عبارت دیگر، علاوه بر علم و دانش، نوعی از بصیرت در این جا به دانش آموز منتقل می شود.

دبستان حکمت مبتنی بر همین رویکرد، برنامه درسی متفاوتی را نسبت به مدارس معمول، اتخاذ می کند. در برنامه درسی مدرسه حکمت، موضوعات و عناوین دروس و جلسات، عمدتاً موضوعاتی هستند که به شرایط کاربردی نزدیک ترند. در اینجا سخنی از دروس ریاضی و علوم نیست. بلکه "کسب و کار"، "سیر و سفر"، "طراحی و سازه ها"، "حکایات"، "خلقت و طبیعت"، "عکاسی" و "روزنامه نگاری" نمونه عناوین دروس و جلسات درس در مدرسه هستند. در هر یک از دروس (که ما آن را دروس ترکیبی یا دروس عملیاتی می نامیم)، موضوع کاملاً ملموس و قابل درک برای سن کودکان مطرح شده، و در خلال آن، مباحث دروس رسمی ریاضیات، علوم، دین، قرآن، ادبیات و نظایر آن مطرح می شود. در ارائه دروس ترکیبی نیز ضمن درگیر کردن کاربردی و عملیاتی در انجام خود کارها (نظیر خرید و فروش در کسب و کار)، و مباحثه و گفتگو، از منابع و متون اصیل مانند قرآن، گلستان سعدی،

مثنوی به نثر، شاهنامه، کتب علمی مرجع و نیز فیلم-های مستند، علمی و آموزشی استفاده می-شود، و بدین ترتیب محتوای آموزشی متنوعی برای دانش-آموزان فراهم می-شود.

مثلا در درس کسب و کار، مباحث مطرح شده فوق از دروس ریاضی گرفته تا درس ادبیات، ارائه و مورد بحث و تعلیم قرار می-گیرد. مثلا معلم در فرصت درس کسب و کار، بخشی از تعلیمات درس ریاضیات را به دانش-آموزن منتقل می-کند. بدین ترتیب دانش-آموز مثلا مبحث تقسیم را در شرایطی یاد می-گیرد که به کاربرد آن نیاز دارد، و شرایط کاربرد آن را کاملا حس می-کند. در این میان کتاب درسی دروس رسمی در قفسه دانش-آموزن قرار دارد، و معلم بر حسب ضرورت آن را به کار می-گیرد. مثلا در همان کلاس درس کسب و کار، در مبحث تقسیم، معلم پس از طرح مباحث مربوطه، از دانش-آموزن می-خواهد که برخی از تمرینهای موجود در کتاب درسی ریاضیات را حل کنند.

نکته مهمی که در اینجا مطرح است، پوشش کامل تمام مباحث دروس رسمی (ریاضیات، علوم و ...) در دروس ترکیبی است. به عبارت دیگر اغلب مباحث دروس رسمی، قابل گنجایش در دروس ترکیبی است. معلم با یاری گرفتن از ابزارهای رایانه‌ای، پوشش تمام مباحث ضروری در دروس رسمی را کنترل می-کند، و آگاه است که مثلا چقدر از مباحث درس ریاضیات امسال دانش-آموزن را به آنها انتقال و با آنها تمرین کرده است.

در صورتی که معلم احساس کند که بخشی از مباحث دروس رسمی، به اندازه کافی در دروس ترکیبی با دانش-آموزن تمرین نشده است، مستقیما جلساتی را به بخشهای مذکور از دروس رسمی مربوطه اختصاص داده، و از روی کتاب درسی آن مباحث را ارائه و تمرین می-کند. بدین ترتیب هیچ نقطه‌ای از کتابهای درسی رسمی باقی نخواهد ماند که در کلاس مورد پوشش قرار نگرفته باشد.

مزیت این روش اولاً در آن است که دانش-آموز با کیفیت بسیار بهتری موضوعات دروس رسمی را دریافت می-کند. ثانياً توانایی بیشتری در کاربرد آن خواهد داشت؛ و مهارتهای کاربرد آن موضوع را نیز فرا می-گیرد. ثالثاً دانش-آموز تلاش و زحمت کمتری را برای قرار گرفتن در فضای مبحث درس رسمی مربوطه و درک آن می-کشد، و به همین دلیل موضوع را در زمان کوتاه‌تری فرا می-گیرد. و رابعا علاوه بر موضوعات کتابهای درسی، موضوعات متعدد دیگری را نیز در همان مدت کلاس فرامی-گیرد؛ و نسبت یادگرفته‌هایش در همان مدت محدود، گاه تا چند برابر روش کلاس رسمی است.

البته نوع فعالیتهای دانش-آموز و نوع تمرین و کارهای دانش-آموز در اینجا کاملا از روش رسمی متداول متفاوت خواهد بود. مثلا درصد زیادی از تمرین ریاضیات دانش-آموز در عملیات واقعی کلاس درس و کارهایی که به او واگذار می-شود، انجام می-شود. همچنین به صورت معمول در این مدرسه نیازی به نوشتن دیکته وجود ندارد؛ بلکه دانش-آموزن دیکته لغات را در نوشتن گزارشها و متون متعدد، تجربه می-کنند. و این نکته با در نظر گرفتن اینکه در این مدرسه حجم تولید مستندات دانش-آموز، بسیار زیاد خواهد بود؛ معنادار خواهد بود.

دانش-آموز بر خلاف روش سنتی، که رونویسی از دروس و دیکته نویسی و حل مسایل کتاب (و احيانا رونویسی صورت مسایل) تنها تولیدات او بوده‌اند، در مدرسه حکمت با حجم وسیعی از انشاءنویسی، گزارش نویسی، جمع‌آوری مطالب، روزنامه نگاری، و نظایر آن مواجه است. تنوع این نوشته‌ها بر خلاف روش سنتی بسیار زیاد است. و انتظار آن است که دانش-آموز به دلیل این تنوع، و اینکه خود موضوعات مربوطه را برای نوشتن انتخاب می-کند، در عین اینکه حجم بیشتری از نوشتن را نسبت به روش سنتی، تجربه می-کند؛ خستگی کمتری را برای برخورد با متون تکراری دروس رسمی و رونویسی آن احساس خواهد کرد.

ضمن آنکه در این روش، دانش آموز با درگیر شدن در مسایل کاربردی و بررسی ابعاد آن، به تعقل و تفکر ترغیب شده، و حفظ کردن طوطی وار، جای خود را به درک مسایل خواهد داد. مدرسه حکمت جایی است که دانش آموز تعقل و تفکر خود را عملاً ارزشمند خواهد یافت، و محیط و سازوکار آموزشی مدرسه این ارج گذاری را عملاً به او نشان می دهد.

ضمن آنکه مدرسه حکمت در قالب ارائه دروس ترکیبی ملموس و نزدیک به کاربرد، محیطی مناسب را برای تربیت مهارتهای مختلف فکری، عملیاتی، رفتاری و تعقل، در کنار تعلیم دانش، فراهم کرده، و سازوکارهای مناسب برای تربیت این مهارتها را ایجاد می کند. بدین صورت با برقراری تعادل مناسب بین مباحث نظری و مباحث کاربردی، به شکلی که مباحث نظری قابلیت پشتیبانی کاملاً مشخصی از مباحث کاربردی داشته باشد؛ دانش آموزان را به سوی روشهای تفکر، تصمیم گیری، مدیریت و برنامه ریزی کارهای خود، اخلاق شایسته، فنون تعاملات اجتماعی، فن بیان، فن نگارش و هنر گرفته تا بکارگیری ماهرانه ابزارها و فناوریها، هدایت می کند. موضوعاتی که دانش آموز در مدرسه حکمت یاد می گیرد، موضوعاتی واقعی است، که جایگاه آنها، کاربرد آنها، رابطه آنها با موضوعات دیگری که او می شناسد، و نیاز به آنها برای او، کاملاً ملموس است.

نه موضوعات انتزاعی ای که چون در سرفصل کتابهای درسی جای گرفته اند، مجبور به یاد گرفتن آنها است.

۲. مدارس خارج کشور:

ژاپن

در ژاپن سعی می شود در مدارس علاوه بر علوم رایج، راه و رسم زندگی و کار نیز به دانش آموزان آموخته شود تا آن ها را برای زندگی در جامعه آماده شوند.

یکی از برنامه های مدارس ژاپن اجرای برنامه های یادگیری در همه زندگی است. در حقیقت یادگیری در تمام عمر به اندازه آموزش و پرورش رسمی اهمیت دارد. شعار آنها این است: هر فرد در هر جا و هر زمان باید بیاموزد.

ساعت حضور دانش آموزان در مدارس ۴۸ ساعت در هفته است و از ساعت ۸ صبح تا ۴ عصر به صورت پیوسته ادامه دارد. دانش آموزان ابتدایی ۲۲ ساعت و متوسطه ۱۶ ساعت در کلاس درس سپری می کنند و بقیه با برنامه هایی مانند فعالیت های گروهی، جشن ها و نهار و استراحت سپری می شود. بنابراین در دبستان ۲۴ ساعت در هفته را در خارج از کلاس هستند.

معلمان عقیده دارند دانش آموزان این مقطع برای یادگیری علم به مدرسه نمی آیند بلکه هدف از مدرسه دیدار دوستان است. در مدارس ابتدایی به بازی، کاردستی، موسیقی و خانه داری (آشپزی، خیاطی و نظافت) توجه بسیار می شود. این گونه برنامه ها یک سوم اوقات دانش آموزان را به خود اختصاص می دهد. دانش آموزان مدارس ژاپن از همان کلاس اول ابتدایی در برنامه ای با عنوان "به سوی کار" به یادگیری و انجام حرفه هایی مانند زراعت و صنعت می پردازند.

علاوه بر فراهم آوردن فرصتهای لازم برای یادگیری تلفیقی و انتخاب دروس اختیاری در دوره های ابتدایی و اول دبیرستان، امکان انعطاف در برنامه های درسی، فراهم آوردن زندگی شوق انگیز در مدرسه، فرصتها و زمینه های لازم برای خلاقیت، زندگی با نشاط و خرسندی از زندگی در مدرسه را برای دانش آموزان فراهم میکند

به نحوی که فرصت لازم برای یادگیری تلفیقی یا مطالعه تلفیقی در برنامه های آموزشی و درسی فراهم می شود. این برنامه به عنوان یک ماده درسی نیست، بلکه فرصت یادگیری است که در مدارس و برای دانش آموزان در نظر گرفته شده است و هر مدرسه با

توجه به شرایط طبیعی، فرهنگی، جغرافیایی، آموزشی و اجتماعی باید محتوای لازم برای آموزش آن را به کمک خود دانش آموزان فراهم کند. هدف اساسی این برنامه برقراری ارتباط موثر میان عناصر و موضوعات مختلف برنامه درسی در فعالیت های آموزشی مدارس است.

روش آموزش بیشتر کاربردی، عینی و تجربی است
برنامه درسی تلفیقی

این برنامه بیش از آن که بخواهد دانش معینی را به دانش آموزان القای کند. به دنبال فراهم کردن زمینه های لازم برای شکوفایی قابلیت های فردی دانش آموزان و گسترش تجربه های فردی و مستقل آنهاست. بعلاوه کوشش می کند تا به آنها بیاموزد چگونه فکر کنند. تصمیم بگیرند، اندیشه های خود را سازماندهی کنند، مهارت های یادگیری، پژوهش، جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات را به دست آورند. در ارتباط با محیط اطراف خود بیاموزند و آموخته های خود را با جامعه و زندگی روزمره مرتبط کنند.

آمریکا (اقای میرجیلی)

به طور کلی برگه سؤالی به عنوان گرم کردن (warm up) برای یادآوری دروس قبل انجام داده و معلم درس جدید را با کمک پاورپوینت های جذاب و ویدئو و عکس و پلی کپی های کمکی می دهد و بقیه کلاس با کار کردن در آن مبحث خاص با تمرین و فعالیت و مباحثه در کلاس های تاریخ مخصوصاً میزگرد هست.

سرفصل های دروس اجباری کلاً در پنج کلاس تقسیم می شود: ۱- انگلیسی ۲- ریاضی ۳- علوم ۴- ورزش و بهداشت و سلامت ۵- مطالعات اجتماعی (تاریخ).

اختیاری ها به ده ها کلاس تقسیم می شود که فقط دو تا کلاس باید انتخاب کرد. موسیقی، زبان خارجه، هنر، ورزش حرفه ای و... در دوره هشتم دوشنبه، چهارشنبه و روز جمعه اختصاص داده شده به مطالعه سالن ها، باشگاه ها، تیم های ورزشی و سایر فعالیت های فوق .

معلمان استقلال بیشتری نسبت به ایران در طرز ارائه درس ها دارند. هر معلمی پلی کپی خاصی (چکیده مبحث کتاب درسی) درمی آورد، پاورپوینت شخصی درست می کند،

معلمان کلاس خود را دارند و برعکس مدارس ایران دانش آموزان می بایست از کلاسی به کلاس دیگر بروند و کلاس د روس و معلمان ثابت است.

نکته جالب کلاس ها این که هر کلاس به نحوی که با موضوع کلاس مثلاً علوم تزئین و دکوراسیون خاصی شده است. پوسترها، تابلوها، رنگ ها، گروه بندی های کلاس ها و حتی آزمایشگاه علوم در کلاس علوم است. کارگروهی و جمعی در کلاس ها زیاد است

۳. مجموعه های تربیتی:

موسسه میثم تمار قم:

این موسسه در راستای معرفی جهان خلقت به دانش آموزان مقطع اول متوسطه طرح درسی را ارائه نموده و در حال اجرا است که مبتنی بر بر چند اصل می باشد:

۱- شناخت پدیده های خلقت از حدیث توحید مفضل امام صادق (ع) با نگاه به شناخت حکمت های الهی در مورد آفرینش مخلوقات و روابط حاکم بر عالم که این نگاه ضمن شناخت پدیده های خلقت توجه مخاطب را به خالق اصلی جلب می نماید.

۲- القای غیر مستقیم: که در این روش طراحی شده هیچ گونه اشاره ای به حدیث امام صادق نمی شود و دانش آموز از طریق پاسخ به سوالات طراحی شده و تفکر و همچنین مباحثه دانش آموزان و هدایت مربی این اسرار را کشف خواهد کرد.

۳- تقویت قدرت تفکر: این روش براساس تقویت قدرت تفکر به گونه ای ارائه می شود که معلم هیچ گونه نقشی در بیان مسایل ندارد و متریان صرفاً با پاسخگویی به سوالات و تفکر در آنها به مبداء خلقت پی خواهند برد.

۴- تقویت قدرت مهارت بیان، مباحثه و کار جمعی، تحقیق و پژوهش، از دیگر ویژگی های این روش جهت رسیدن به هدف انجام مباحثات دانش اموزی و کارهای گروهی می باشد.

نشر جمال:

این مجموعه تولیدات با هدف معرفی پدیده های آفرینش و روایتی جذاب از حدیث توحید مفضل امام صادق (ع) می باشد. در این مجموعه اشعار با نگاه به فلسفه آفرینش خلقت در بیان اسرار آفرینش برخی مخلوقات برگرفته از حدیث توحید مفضل امام صادق به معرفی مخلوقات می پردازد. این انتشارات سعی نموده تا با اشعار و تصویر گری زیبا و جذاب هر یک از پدیده های خلقت را به زیبایی به تصویر بکشد مخاطب این مجموعه تولیدی گروه کودکان پیش دبستانی و دبستانی می باشد.

۴. نظر کارشناسان و افراد صاحب نظر:

الف) آیت الله جوادی آملی

از منظر آیت الله جوادی آملی، علم مثل فرش نیست که ماشین و دستباف داشته باشد، یعنی دانش را نمی تواند مثل تقسیم فرش ماشینی و دستباف به اسلامی و غیر اسلامی قسمت کرد. لذا فیزیک، شیمی یا طب به اسلامی و غیر اسلامی قسمت نمی شد. بله «علم اگر علم باشد، نه وهم و خیال و فرضیه محض؛ هرگز غیر اسلامی نمی شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می زند و پرده از اسرار و رموز آن بر می دارد، به ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کنیم. بر اساس ما دو نوع دانش دین داریم که یکی کلام خدا را دستور کار دارد و دیگری فعل خدا را: «که علوم دان همت خود را مصروف ادارک و فهم فعل خداوند قرار داده و در صدد تفسیر جهان خلقت است. اگر تفسیر قول خدا، علم اسلامی را به دست می دهد، تفسیر فعل خدا نیز علمی اسلامی محسوب می شود. از این رو «اضافه اسلامی به علم یا علوم، اضافه تقيیدی نیست بلکه توصیفی است؛ بدین معنا که بیان علم و یا علوم انسانی نیست، بلکه برای ذکر وصف لازم علم است؛ یعنی علم جز اسلامی نیست و آن دانشی که اسلامی نباشد جز پندار و خیال و باری جهت گذراندن زندگی دنیا نیست.

هرچند فیزیک دان ملحد یا مشرک باد. این که او به او سبب اعواجاج و الحادش ارتباط علم طبیعت با خدا را قطع کرده و خلقت را باور ندارد، موجب آن نیست که فهم او از طبیعت در صورت که حقیقتاً علم یا کشف اطمینان آور باشد، فاقد حجیت

و اعتبار شرعی تلقی گردد و تفسیر فعل خدا قلمداد نشود. ایشان یکی از دو مرحله اسلامی شدن علوم تجربی و متون در سی را موارد زیر میدانند:

قدم اول:

1. عنوان طبیعت برداشته شود و به جای آن عنوان خلقت قرار بگیرد، یعنی اگر عالمی بحث می کند که فلان اثر در فلان ماده معدنی هست یا فلان گونه گیاهی چنین خواص و آثاری دارد، با تغییر عنوان یاد شده این گونه می اندیشد و آن را تبیین می کند که این پدیده ها و موجودات چنین آفریده شده اند.
2. عنوان خالق که مبدأ فاعلی است ملحوظ باشد؛ یعنی آفریدگار حکیم، صحنه خلقت را چنین قرار داده است که دارای آثار و خواص ویژه ای باشند.
3. هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است، منظور شود.
4. محور بحث دلیل معتبر نقلی مانند آیه قرآن یا حدیث صحیح قرار گیرد.
5. از تأییدهای نقلی و تعلیل های آن استمداد شود.
6. در هیچ موردی ادعا نشود که عقل در این مورد کافی است، همچنان که نباید فقط به نقل هم اکتفا نمود و از عقل پرهیز کرد.
7. تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جزء دیگر باشد.

ب) دکتر حسن عباسی

آقای دکتر حسن عباسی در ارایه سلسله جلساتی در حوزه تربیت کودکان که با عنوان سلسله جلسات "کودکان استراتژیست" مباحثی را طرح نموده است و طرح درسهایی برای مربیان مدارس ارایه نموده است، یکی از محورهای مهمی را که مطرح می نماید توجه به رویکرد آیت مدارد در ارایه درس می باشد. در این رویکرد جلسات متعددی در خصوص تبیین این رویکرد و نیز ارایه دهها طرح درس در خصوص تحقق این رویکرد ارایه شده است.

روی کرد آیت مدار

سرمایه ای ایمان، زیربنایی ترین سرمایه ای انسانی است. سرمایه ای مادی، سرمایه ای علمی، سرمایه ای اجتماعی و هر نوع سرمایه ای دیگر باید مبتنی بر سرمایه ای ایمان باشند. بر این اساس، تصمیم سازی و اتخاذ استراتژی در هر حوزه ای باید مبتنی بر جهت گیری ایمانی صورت پذیرد و معطوف به افزایش سرمایه ای ایمان باشد. از این منظر، تربیت تصمیم سازان و استراتژیست های آینده منوط به نهادینه شدن ایمان در ایشان است. بنابراین، ضروری است از کودکی تربیت ایمانی در فرد آغاز شود، چرا که پایه های ایمان در قلب، از کودکی شکل می گیرد.

ایمان به هفت حوزه تعلق می گیرد که هفت ستون ایمان در قلب انسان مؤمن است: ایمان به خدا، ایمان به غیب، ایمان به آخرت، ایمان به انبیاء، ایمان به کتاب، ایمان به ملائکه، و هفتمین متعلق که ایمان به آیات الهی است. در ایمان به آیات الهی، سویی نگاه، از توجه صرف به خود پدیده، معطوف به جهتی می شود که به آن رهنمون است. آیت، علامت حبس شده در شیئی است. انسان مؤمن، در هر پدیده، نشانی ای را جست و جو می کند که خداوند رحمن در آن قرار داده است. قرآن کریم ضمن بیان هر پدیده، داستان، و واقعه ای تأکید بر توجه به آیت قرار داده شده در آن می کند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً»، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ»، «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ، وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (الذاریات، ۲۰ و ۲۱)»

حال، در شرایطی که کودک در مراحل ابتدایی شناخت پدیده‌های پیرامون خود است، بر تافتن جهت‌دار بودن هر پدیده امکان‌پذیرتر است. ساده‌ترین، زود فهم‌ترین، و ملموس‌ترین متعلق ایمان به ویژه برای کودکان، ایمان به آیات الهی است. به این ترتیب، رویکرد آیت‌مدار، رویکرد ابتدایی در تربیت کودکان استراتژیست است. اما طرح درس و مباحث ارائه شده در جلسات تحقق این رویکرد، به صورت زیر ارائه می‌گردد.

□مقدمه

تأکید بر ضرورت تصمیم‌سازی و تمایز آن از تصمیم‌گیری، و دانش آن یعنی استراتژی.

□مبحث نخست

حقیقت و معرفت طبیعی نسبت به یک پدیده.

□مبحث دوم

آیت آن پدیده.

*مرحله‌ی ارائه‌ی داستان

حکمت آن پدیده.

□مبحث سوم

عبرت از آن پدیده.

□مؤخره

تمرین و پرسش و پاسخ.

لازم به ذکر اینکه کلیه جلسات در سایت "کودکان استراتژیست" بارگزاری شده و صوت، متن، و فیلم و تصاویر آن قابل دریافت می‌باشد

(ج) استاد شایق:

در مورد الهی‌سازی علوم و جهت الهی دادن باید گفت برخی دروس قابلیت الهی‌سازی ندارند چون ماهیت شیطانی دارند. مثلاً این شبیه‌سازی که انجام می‌دهند علم الهی نیست، شیطانی است. این کار خرق قانون زوجیت است. از سلول گوش حیوان، شبیه آن را تولید می‌کنند.

در مورد این علوم مانند قطاری می‌باشد که به سرعت به سمت کرمان در حرکت است و شما می‌گویید هدف من تهران است و بلند می‌شوی و در جهت تهران شروع به حرکت می‌کنی. این کار یک کار عبث و بی‌فایده است و شما هرگز به تهران نخواهی رسید.

در مورد علوم هم همین است. جهت الهی دادن به این علوم، حذف آن علم است. به عنوان مثال علوم سیاسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، از ماکیاولی است و سیاست امیرالمومنین علیه‌السلام نیست، سیاست معاویه است. مدیریت، حقوق و... نیز به همین صورت. مدیریت ما مدیریت ولایی نیست.

ما باید علاوه بر علوم به دانش‌آموز هم جهت الهی بدهیم، و این ۲ دومورد (جهت الهی دادن به دروس و دانش‌آموز) خودش سند می‌خواهد و خیلی کار می‌برد.

جهت الهی دادن به دانش آموز نیز ارتباط مستقیم با مربی دارد. معلمی که خودش جهت گیری الهی ندارد نمی تواند دانش آموز را جهت الهی بدهد. اینجا بحث اهمیت تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان مطرح می شود. معلم باید رفتار و منشش به دانش آموز جهت الهی بدهد^۲ و حرفی که میزند از دلش بر بیاید تا به دل بنشیند.

جهت دهی الهی با ۲ متمم انجام می شود:

۱. آموزش معلم

۲. حذف علومی که ذاتش الهی نیست.

البته تا دیپلم چنین علومی نداریم و مشکل اصلی ما از دانشگاه شروع می شود.

ج. سایر

۱- وضعیت موجود و ایرادات

الف) در کتب جدید علی رغم طراحی های خاص در خصوص استفاده از شیوه های جدید یادگیری و بهره مندی از روشهای تجربی و میدانی در انتقال مفاهیم، اما پدیده های آفرینش مورد بررسی رویکرد اتصال به مبداء آفرینش در آن دیده نمی شود و صرفا ابعاد تجربی آفریده ها مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین در فعالیت های جنبی و یا کتاب کار معلمین علوم در طول شش سال نیز این بخش بجز در موارد محدود مورد توجه قرار نگرفته است.

با عنایت به اینکه پدیده های خلقت مورد اشاره در کتاب درسی زمینه بسیار زیادی برای انتقال مفاهیم توحیدی دارد و توجه به مبداء آفرینش جزء اهداف مصرح در سند تحول بنیادین و برنامه درس ملی است، لیکن عنوان گذاری و نگاه موجود به نظر می رسد همان دسته بندی علوم بر مبنای غربی و سکولار است و تفاوت قابل توجه کتاب های موجود با کتاب های سابق شوه ارایه مطالب و مشارکت دانش آموزان است.

لذا این رویکرد اهداف کامل مد نظر ولی امر مسلمین و تحقق کامل اصول و اهداف مندرج در برنامه درس ملی را برآورده نمی کند.

ب) کم توجهی به روشهای نوین آموزشی و روشهای تلفیقی در آموزش فعالیت های و عدم بهره گیری از روشهای اکتشافی، تجربی و میدانی، یادگیری خلاق و... که شایسته است با توجه به تجربیات سایر کشورها و مدارس خاص کشور در این زمینه زمینه تحقق این روشها در مدرسه با همراهی کامل مریان نهادینه و عملیاتی گردد. و کلاسها خصوص صا کلاسهای آموزش آیه های همراه تنها بصورت بیان و آموزش یک طرفه نباشد.

د. جمع بندی:

محتوای آموزش: از آنجا که منشاء اولیه اخذ درس علوم تجربی منبعث از تفکیک علوم مادی غرب و منشا طراحی آن از کشورهای فاقد اندیشه های الهی بوده است لذا نگرش تفکیکی علوم تجربی از علوم دینی یکی از ریش های سکولاریزم در کتب درسی است که پس از انقلاب در مسیر درست خود قرار نگرفته و تغییرات متعدد در طول سالهای پس از انقلاب متأسفانه منجر به تغییر این ساختار نگردیده بینی است هر چند که در هر مرحله محتوا ها و شیوه های ارایه تغییرات تکاملی داشته است لیکن جهت گیری به این سمت نرفته است تا علوم تجربی را در چهارچوب جهان الهی و پدیده های خلقت بیان کند.

همین جدایی باعث گردیده تا تمام آفریده های الهی بدون توجه به حکمت آفرینش و عدم توجه به مبدأ در دروسی چوت علوم تجربی طرح موضوع گردد. در حالی همه مسایل مورد بحث در این کتب جزئی از افعال الهی؛ پدیده های خلقت یا قواید جهان هستی می باشد. طبیعتاً در افق بالاتر ما برای تربیت انسانهایی متخصص و مومن مجبوریم تا پدیده ها و قواید عالم را با نگاه توحیدی طرح نماییم. فلذا در این حال دروس علوم هم درس مفاهیم قرآن است و اثر گذاری معلم و درس در حوزه تثبیت تفکر الهی موثر خواهد بود.

آنچه که بیان شد از واضحات سند تحول بنیادین و برنامه درس ملی است که در اهداف کلی و تفصیلی به صراحت بیان شده. لیکن متأسفانه در تدوین کتب درسی مورد توجه قرار نگرفته است.

لذا با توجه به رویکرد تحولی مجتمع مبتنی بر اندیشه های دینی و انقلابی خصوصاً نظرات حکیمانه ولی امر مسلمین تغییر طرح درس های کتاب علوم تجربی با نگاه جهانی بینی الهی ضروری است.

شیوه های یادگیری: همچنین بهره گیری بهتر از روش های یادگیری مبتنی بر تفکر گرایی کار گروهی، تجربه و کشف روابط علی و معلولی و... مورد تأکید است.

پیشنهادهای (اهداف اختصاصی درس علوم):

۱- مبنای آموزش درس علوم بایستی توجه دادن دانش آموزان به مبداء خلقت و اعتقاد به خالقیت الهی باشد. که در این مسیر جهت

گیری چنان باشد که هر چه دانش آموز با جزئیات بیشتر مخلوقات آشنا می شوند برایمان و اعتقاد دینی آنها افزوده شود و همه چیز را آیات الهی بداند. اگر چنان شد بررسی موشکافانه تر و جزئی تر آفریده ها، دانش آموز را بیشتر از پیش با قدرت الهی آشنا می کند اما اگر به پدیده های خلقت با نگاه کشف روابط موجود در جهان و علوم تجربی پردازیم (آنچنان که هم اکنون در دروس ما عمل میشود) ذره ای مارا متوجه خالق هستی نخواهد کرد. لذا جهت جبران معنویت دانش آموز بایستی در کنار علوم درسهایی را بگذاریم که دانش آموز را با خدا آشنا کند و آنها هم صرفاً در روابط فلسفی و نظری. نکته دیگر اینست که ما درسی که می توانست سرشار از آموزش حکمتهای الهی و خدا شناسی باشد را به یک درس بیگانه با دین تقلیل دادیم.

لذا مهمترین جهت گیری باید این باشد که معلمین و مربیان بدانند در این درس قرار است آیات الهی تدریس شود و دانش آموز بایستی به این توجه داده شود، هر چند که از آیات قرآن یا احادیث هم استفاده ای نشود.

نمونه های رویت شده نشان می دهد ارایه چنان روشی عملی و قابل تحقق می باشد. با توجه به مقطع سنی دانش آموزان بهره گیری از قالبهای سوالی، شعر و داستان و فیلم و... (نمونه هایی که توسط مجموعه های میثم تمار در آموزش توحید مفضل و فلسفه خلقت به روش تقویت قدرت تفکر، انتشارات نشر جمال در آموزش توحید مفضل به زبان شعر، روش دکتر حسن عباسی با استفاده از داستان و فیلم در سلسله جلسات کودکان استراتژیست ارایه شده است) در طرح درسهها مد نظر قرار گیرد. همچنین استفاده از ظرفیت های فیلم و مستند های سینمایی که در طراحی نرم افزار مجموعه حکمت بابلسر دیده شده است این قابلیت را ایجاد می نماید تا از جلوه های بصری برای این امر نیز بهره گیری شود.

۲- تغییر عنوان کلاس علوم تجربی که می بایست منبعث از جهت گیری الهی درس باشد. انتخاب یکی از عناوینی چون:

"پدیده های خلقت" یا " اسرار جهان آفرینش" یا " شگفتیهای آفرینش" یا "آیه ها" و..... به همین نسبت برخی عناوین دروس نیز در طرح درسهها مورد بازنگری قرار گیرد. لذا پیشنهاد اینست تا درس مذکور در جدول درسی مدرسه با عناوینی دارای مفهوم الهی جایگزین عنوان علوم تجربی گردد. این موضوع در تهیه طرح درس علوم بسیار حایز اهمیت می باشد. پس از تهیه طرح درس و

تعیین شیوه تدریس، مربی در کلاس ضمن استفاده از روشهای خلاقانه و ابزارهای لازم جهت ارایه این فهم به دانش آموز از کتاب علوم تجربی موجود به عنوان کمک یار جهت انتخاب سیر ارایه مطلب، مشاهده تصاویر و قالب های تدریس بهره می گیرد.

۳- پیشنهاد اینست که درس مفاهیم قرآن بصورت مجزا چنانکه در مدارس قرآن صرفا به آموزش آیات منتخب پرداخته می شود، در این روش درس مفاهیم قرآن بصورت مستتر در در س علوم تجربی استفاده گردد. از آنجا که پدیدههای خلقت (مورد بررسی در کتاب علوم تجربی شامل: اجزاء بدن انسان، حیوانات، گیاهان طبیعت و...) جلوه ای از قدرت خالق متعال است و با توجه به آیات متعدد قرآن کریم در خصوص این آفریده ها لذا از گزیده آیات قرآن در دروس علوم مقاطع تحصیلی، متناسب با موضوع با شیوه ای روان و غیر زنده و مناسب سن و درک کودک در تهیه طرح درسها بهره گیری شود. این روش به نظر بهترین راه آموزش مفاهیم قرآن نیز می باشد چراکه دانش آموز ضمن توجه مبدا خلقتبا استفاده از ابزار تجربی کشف اجزاء آفریده ها، مفاهیم قرآنی را نیز بهتر درک می کند. همچنین بهره گیری از احادیث خاص مرتبط و یا بهره گیری از رساله حقوق امام سجاد در خصوص حق هر یک از آفریده ها نیز استفاده شود.

۴- ضروری است از شیوه های مناسب یادگیری درس علوم و استفاده حداکثری از فضای یادگیری میدانی و اکتشافی، کار گروهی، استفاده از ابزار مورد نیاز، همراه با متناسب سازی محیط کلاسها و... استفاده گردد. یکی از الزامات این بند شناسایی و تامین وسایل و امکانات لازم جهت اجرایی شدن آموزش درس از روشهای اکتشافی و خلاقانه می باشد. فلذا آزمایشگاهی کاربردی جهت این امر لازم به نظر میرسد.

۵- لازم است جنبه های کاربردی دروس تبیین گردد و به مباحث نظری صرف اکتفا نگردد. یکی از عللی که دانش آموزان غالبا مباحث را به فراموشی می سپارند یا به برخی دروس بی علاقه اند ناشی از اینست که کاربرد آن را نمی دانند و لذا چنانچه بصورت کاربردی و امور مبتلا به زندگی با آن روبرو شوند و بصورت اصل کاربردی زندگی مواجه شوند قطعا آموزش موثر تر و یادگیری با دوام تر خواهد بود.

۶- ضرورت توجه به موضوع کشف استعدادها و توانمندی های انفرادی دانش آموزان که در فعالیت های گروهی و میدانی بروز خواهد کرد

۷- توجه به استفاده از رویکردهای اهداف تربیتی در مباحث قابل ارایه با روش های تلفیقی و پنهان

نظر اساتید: